

مردم از اینکه هر بار تلاش می‌کنند و در پای صندوق خواست‌شان را بیان می‌کنند ولی نادیده گرفته می‌شود، خسته شده‌اند.

نگرانی از آینده تنها موضوعی است که در آن وحدت نظر داریم؛



به گزارش اسپاداناخبر، عباس عبیدی در حضور حسن روحانی گفته: نگران؛ ناامید؛ خسته؛ توصیف اجمالی از وضعیت کنونی جامعه ایران است. توصیفی که شاید برخی را خوش نیاید. در گذشته، هیچ گاه نه نگران بودم، نه خسته و نه ناامید. دوست نداریم این سخن‌ها را بگوییم چون بیم آن داریم که به افزایش نگرانی و خستگی و ناامیدی منجر شود. ولی چاره چیست؟ تا کی می‌توان زبان در کام کشید؟ اگر سکوت و نگفتن چاره‌ساز بود، تاکنون چاره کرده بود. نگرانیم. با هر کس که سخن می‌گوییم، نسبت به آینده کشور و ایران نگران است. برخی از گذشته‌های دور نگران بوده‌اند، ولی بسیاری نیز در سال‌های اخیر بویژه در یک سال گذشته نگران شده‌اند. نگرانی بسرعت در روان و ذهن ما ریشه دوانده است. بحث اصلی نیز وجود توطئه و فشارهای خارجی علیه کشور نیست، هرچند این مورد مهم است، ولی ریشه نگرانی در داخل است. جامعه ما زیر فشارهای مختلف ضعیف و ناتوان شده است. جامعه ما از وحدت و انسجام اولیه خود دور شده و شاید در تنها موضوعی که وحدت نظر داریم، نگرانی از آینده است. اجازه دهید پاسخ به دو پرسش یکی از آخرین نظرسنجی‌هایی را که در همین روزها در تهران انجام شده است تقدیم کنم. از مردم پرسیده شده است مهم‌ترین موضوعی که این روزها موجب نگرانی شما می‌شود، چیست؟ فقط 1/1 درصد اظهار داشته‌اند که چیزی موجب نگرانی آنان نمی‌شود. نکته مهم این است که اکثریت قاطع، مسائلی را موجب نگرانی خود دانسته‌اند که حل آنها خارج از اراده شخصی آنان است. در ادامه پرسیده شده که آیا این نگرانی در آینده کمتر می‌گردد یا بیشتر یا همین طور می‌ماند؟ فقط 6 درصد اظهار داشته‌اند که کمتر می‌شود، 85 درصد گفته‌اند بیشتر و 9 درصد هم اظهار داشته‌اند همین طور می‌ماند. متأسفانه باید گفت که این پاسخ‌ها در نگرانی‌هایی که به امور شخصی برمی‌گردد، خوشبینانه‌تر است و در اموری که خارج از اراده فردی است، بسیار بدبینانه‌تر. ناامیدی رویه دیگر این نگرانی است که بازتاب آن را در این نحوه پاسخگویی شاهد هستیم. مردمی ناامید که انتظار آینده‌ای خوب را ندارند. خسته‌ایم. این خستگی پس از انتخابات سال گذشته نمود بیشتری یافت. آخرین بار که مردم به پای صندوق رأی آمدند، امید بسیار داشتند که تغییری جدی در رویه‌ها و سیاست‌ها روی می‌دهد ولی وقتی می‌بینند که چیزی تغییر نکرده، خسته شده‌اند. آنها از اینکه هر بار تلاش می‌کنند و در پای صندوق خواست‌شان را بیان می‌کنند ولی نادیده گرفته می‌شود، خسته شده‌اند. حالا به هر بهانه بزرگ و کوچکی، موج و غیرموجه به خیابان‌ها می‌آیند و اعتراض می‌کنند. گویی صندوق رأی را دیگر آخرین راه نمی‌دانند. گویی که حضور در این انتخابات را به مثابه عبور از آخرین گردنه برای رسیدن به مقصد می‌دانستند؛ تا تمام خستگی راه از تن خارج شود، ولی معلوم شد که این نه گردنه پایانی که حرکت روی دایره است و در روی دایره هرچه سریع‌تر حرکت کنیم تا از نقطه موجود دور شویم، سریع‌تر به آن نزدیک خواهیم شد. با وجود این همچنان یک نقطه روشن هست. اتفاق نظر نسبی در وجود نگرانی درباره آینده و اینکه ادامه مسیر فعلی و گذشته دیگر ممکن نیست. واقعیت این است که به نظر بنده مسأله امروز ایران، هیچ راه حل جزئی و فنی ندارد. در سطح هیچ یک از قوا نیست و باید در سطح ملی حل شود. باید در نگاه به جامعه و رابطه قدرت و مردم اصلاح اساسی صورت گیرد. باید ضمن به رسمیت شناختن همه نگرش‌ها و گرایش‌های موجود در جامعه، به بازسازی قدرت مردم، همت گماشت و روح امید را در این کالبد خسته و ناامید دمید. به عنوان یک فعال رسانه‌ای معتقدم اولین جایی که چنین اصلاحی باید بازتاب پیدا کند، در رسانه است. وضعیت امروز رسانه در ایران بسیار خطرناک و حتی تهدیدی علیه امنیت ملی است. از یک سو با رسانه‌های رسمی مواجه هستیم که فاقد استقلال و اثرگذاری هستند و از سوی دیگر با شبکه‌های اجتماعی مواجهیم که هیچ حد و مرز اخلاقی و حرفه‌ای و قانونی بر آنها حاکم نیست و این دو وضعیت به ظاهر متناقض، در اصل دو روی یک سکه هستند. امروز فضای رسانه‌ای از ارکان دفاع از امنیت ملی است. اگر فضای رسانه‌ای ملی به شکلی که الان هست ادامه پیدا کند، به رقابت بین‌المللی رسانه‌ای می‌بازیم همچنان که پیش از این باخته‌ایم و این باخت رسانه‌ای به زبان امنیت ملی است. مقدمه لازم برای مبارزه با تبعیض و فساد در کشور که متأسفانه نظام‌مند نیز شده است، در اصلاح نظام رسانه‌ای است. برخلاف تصور ساده‌انگاره نزد برخی افراد؛ تفوق سیاسی و روانی نظام‌های توسعه‌یافته، در درجه اول محصول قدرت اقتصادی و نظامی برتر آنها نیست، بلکه محصول قدرت و اثرگذاری نظام رسانه‌ای آنها است. نظام

رسانه‌ای کارآمد در جهان امروز، هیچ تناسبی با نگرش موجود و «بوق‌واره» ما به رسانه ندارد. 30 سال پیش در ابتدای مقدمه‌ای که بر یک پژوهش درباره رسانه‌ها انجام شده بود، نوشتم که در ایران هیچ پدیده مدرنی به اندازه رسانه، به صورت سنتی مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. امروز تنش این نحوه رفتار نابخردانه از بام رسانه، بر زمین جامعه افتاده است. با وجود همه اینها باید امید داشت، چرا که محکوم به امید هستیم، می‌ادا بعداً پشیمان شویم که اگر امیدمان را از دست نمی‌دادیم، به مقصد می‌رسیدیم. قرح بعد از شدت روزنه امید ماست پنجره آن را بر خودمان نیندیم.

برچسب‌ها: [اصلاح طلبان](#) [1]

[انتخابات](#) [2]